

زمان خود بود. گفته‌اند در سال ۸۴۰ واند مانند حسین منصور پا بر دار شهادت گذاشته، شربت شهادت چشید، مرقد شریفش در خارج قریه زرقان حومه شیراز، زیارتگاه است، این چند بیت از اوست:

کی تواند شدن از سر اناالحق واقف
دردمندان ز تو هر لحظه دلی می‌طلبند
هر که او را غم آن است که بر دار کنند
تا به درد غم عشق تو گرفتار کنند

حق بین نظری باید تا روی ترا بیند
از مشرق دیدارش آنرا که بود دیده
چشمی که بود خود بین کی نور خدا بیند
انوار تجلی را پیوسته چو ما بیند
آنرا که تو منظوری غیر از تو کرا بیند
ای چشم «نسیمی» را از روی تو بینائی

من گنج لامکانم اندر مکان ننگجم
وهم و خیال انسان، روسوی من ندارد
برتر ز جسم و جانم در جسم و جان ننگجم
در وهم از این نیایم در عقل از آن ننگجم^۱

در دایره وجود موجود علی است
گر خانه اعتقاد ویران نشدی
اندر دو جهان مقصد و مقصود علی است
من فاش بگفتمی که معبود علی است

خواهی که شوی کسی ز هستی کم کس
با زلف بتان دراز دستی کم کن
ناخورده شراب وصل مستی کم کن
بت را چه گنه تو بت پرستی کسم کن
نظام‌الدین شیرازی: از سلسله سادات دست‌غیب شیراز است. این ابیات از اوست:
گر فلک با من هم آغوشش نماید دور نیست
باغبان بر چوب بنسد گلبن نوخیز را

عندلیبش نفس خوش نسراید هرگز
گلستانی که در او راه تماشائی نیست

نعیمای شیرازی: در خدمت امام قلی‌خان، والی فارس احترامی داشت و از اوست:

گله هجر ز امروز کنم سر، که بیاد
این حکایت همه، در روز جزا نتوان کرد

نقیب شیرازی: نامش میرزا احمد، شرح حالش^۲ در محله بازار مرغ گذشت.

نوائی شیرازی: نامش میرزا مهدی، شرح حالش در محله سرباغ است.

نویدی شیرازی: از بزرگان است و اسمش «عبدی بیک»، این شعر از اوست:

سپیده دم که از آن باز آتشین منقار
کشد غراب زراندود خویش را به کنار

نیاز شیرازی^۳: نام شریفش میرزا سید علی [و] شرح حالش در محله میدان شاه است.

نیری شیرازی: نامش میرزا طاهر، در ذیل محله لب آب نوشته شد.

۱. در متن: (در وهم از آن نیایم در عقل از این ننگجم) که قافیه غلط است.

۲. در متن: (حاکش). درباره نقیب رجوع شود به آثار المعجم، ص ۲۶۲؛ (در حدود .. ۱۳۰ واند وفات یافته).

۳. ر.ک: ریاض العارفین، ص ۵۹۷ و آثار المعجم، ص ۵۴۵.

وجدی شیرازی: نامش میرزا محمد علی در محله بالا کفت نوشته شد.

وصال شیرازی: نام شریفش میرزا محمد شفیع، مشهور به میرزا کوچک، شرح حالش در محله سرباغ است.

وقاشیرازی: نام شریفش میرزا حسن علی، مشهور به میرزا بزرگ، شرح حالش در محله میدان شاه است.

وقارشیرازی: نام شریفش میرزا احمد، شرح حالش در محله سرباغ نوشته شد.

آقا هاشم شیرازی: در کتاب تذکره «ریاض العارفین» نوشته است: قدوة العارفین، شیخ المتأخرین، آقا محمد هاشم بن میرزا اسماعیل، در عنقوان جوانی نویسندگی سلطان عهد را می نمود و در اواسط حال از منصب استیفا، استعفا فرموده، سر ارادت بر پای جناب عارف فاضل و سید کامل، سید قطب الدین نیریزی که از مشایخ سلسله ذهبیه بود، نهاد و در خدمت آن حضرت به درجات عالیه، فایض گشته، شرف مصاهرت و خلافت آن جناب را دریافت نموده، او را کرامات عظیمه روی می نمود و پیوسته به عبادات و مجاهدات قلبیه و قالبیه مبادرت می فرمود، آستانش مرجع طالبان طریقت و صومعه اش مجمع عالمان شریعت، نفسش مرده و دلش زنده، جسمش افسرده و روانش پاینده، عمری طولانی داشت و در سال ۱۲۰۰ و اندک به جنت اعلی شتافت [و] مرقدش در خارج شیراز، در تکیه خواجه حافظ (علیه الرحمه) زیارتگاه است.

هشیار شیرازی: نامش میرزا علی، شرح حالش در ذیل محله میدان شاه گذشت.

همت شیرازی: نام شریفش میرزا علاء الدین، شرح حالش در محله سرباغ گفته شد.

همای شیرازی: در محله لب آب نوشته شد.

همدم شیرازی: نامش آقا نجف علی، برادر کهنتر «منظور» است، در بدایت حال در حضرت فرمانفرمای فارس، نواب اشرف حسین علی میرزا قاجار، افسانه گوی بود:

بدنامی از عشق بتان آمد به عالم نام ما	ناکامی از کام جهان شد باعث هر کام ما
در عشق خوبان بعد از این مصروف به ایام ما	در زهد عمرم شد به سر وز وی ندیدم حاصلی

۱. رک: آثار المعجم، ص ۵۱۰.

۲. ص ۶۲۴.

۳. رک: آثار المعجم، ص ۳۶۲.

۴. رک: ریاض العارفین، ص ۶۲۶، و آثار المعجم، ص ۵۷۷.

۵. برای اطلاع بیشتر در باره شاعران شیراز، رجوع شود به کتاب نفیس دانشمندان و سخن سرایان فارس در چهار جلد از محمد حسین رکن زاده آدمیت، شیراز در گذشته و حال، از استاد علی ساسی که تالیفات گرامی ایشان در زمینه پارس و آثار باستانی آن از مراجع و منابع مهم شناخت فارس است، آثار المعجم، فرصت الدوله شیرازی، تذکره ها و کتب تاریخ ادبیات...

اما

سلسله وزرائی که از شیراز برخاسته‌اند به ترتیب حروف نوشته شود:

حاجی ابراهیم خان شیرازی: شرح حالش در ذیل محله بالا کت گفته شد.
ابن مقله علی بن محمد بن مقله شیرازی: واضح خط نسخ است، وزارت سه نفر از خلفای
عباسی را نمود و سیمین آنها الراضی بالله عباسی، دستش را بریده، حبسش فرمود و در سال ۳۲۷
در محبس بمرد.

ابودار سپ ابن فخرالدوله شیرازی: در حدود سال [] الی ماشاء الله به وزارت القاهر بالله
عباسی قائم بود و در آسایش عباد و بلاد شعفی تمام داشت.^۲

حاجی میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک: شرح حالش در محله سنگ سیاه است.
خواجه ابوالفتح منصور شیرازی: در حدود سال [] به وزارت القائم بالله عباسی
[رسید] عمری را در خدمت بندگان خدا گذرانید.

خواجه ابوالفضل عباس بن حسین شیرازی: در حدود سال [] به وزارت سلطان
عزالدوله بختیار بن معزالدوله دیلمی فائز گردید و چند سال دیگر در بغداد به وزارت [؟]
عباسی رسید.

خواجه ابومنصور احمد بن محمد بن عبدالصمد شیرازی: در حدود سال [] به وزارت
التوتناش خوارزمشاه برقرار بود، پس به وزارت سلطان مسعود پسر سلطان محمود غزنوی و سلطان
سودودین سلطان مسعود قائم گردید.

افضل خان شیرازی: از شیراز به هندوستان رفته، سلطان شاه جهان پادشاه هندوستان او را
به وزارت خود اختیار فرمود، در تاریخ سال وزارتش گفته‌اند: «شد ارسطو وزیر اسکندر».

۱. رک: تجارب السلف، هندوشاه نخبجوانی، عباس اقبال، طهوری، ص ۲۰۸ تا ۲۱۱.

۲. در تجارب السلف، فقط از دو وزیر برای القاهر نام برده شده که ابن مقله و محمد بن قاسم بن عبیدالله بن سلیمان بن-
وهب است. ص ۲۱۴.

۳. رک: تجارب السلف، ص ۲۶۰.

۴. رک: تجارب السلف، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

تاج‌الدین ابوطالب^۱: وزیر سلطان محمود شاه پسر سلطان ملک‌شاه سلجوقی گردید و در سال ۵۶۰ واند وفات یافت.

میرزا حسن علی خان نصرالملک^۲: در محله بالاکفت نوشته شد.
 زکی خان نوری شیرازی: شرح حالش در محله درب شاهزاده گذشت.
 خواجه سعدالدین عنایت‌الله مشهور به شاه‌نوازخان شیرازی: مردی فاضل و هنرمندی کامل بود، سالها از ناحیه دکن هندوستان به وزارت ابراهیم عادل‌شاه پادشاه دکن برقرار بود و همتش [را] بر آبادی و آسایش عباد می‌گماشت، در حدود سال ۹۹۰ واند که حادثه زلزله در شیراز اتفاق افتاد و مسجد جامع اتابکی مشهور به مسجد نو منهدم گردید، چندین هزار تومان از هندوستان فرستاده، آن مسجد وسیع را تعمیری لایق نمودند و قرآنی بزرگ به خط نسخ خوشنویس وقت بر آن مسجد فرمود و تا کنون آن قرآن باقی است و در حواشی و سر سوره‌های^۳ آن قرآن این شعر را نوشته‌اند:

آن مصحفی که عقل کلش گشته جزو خوان کرده است وقف مسجد نو، شه‌نوازخان
 و تا سال ۱۰۰۳ در قید حیات باقی بود.

شاپور پسر اردشیر شیرازی: در حدود سال ۴۰۰ واند به منصب وزارت بهاء‌الدوله پسر امیر عضدالدوله فنا خسرو دیلمی برقرار بود و در سال ۴۱۶ وفات یافت.

عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد شیرازی: وزیر سلطان ابراهیم غزنوی و بهرام‌شاه غزنوی بود تا وفات یافت.

سید عمادالدین شیرازی^۴: قصه وزارت و عاقبت کار او در ذیل حوادث ۶۸۳ در گفتار اول این فارسنامه است.

میرزا فتح علی خان صاحب دیوان شیرازی: شرح حالش در محله بالاکفت است.
 حاجی قوام‌الدین حسن شیرازی: در حدود سال ۷۳۰ واند به وزارت شاه محمود انجو و شاه‌شیخ ابواسحق پسر شاه محمود انجو برقرار بود و در سال ۷۵۰ وفات یافت.

حاجی قوام‌الدین شیرازی: در حدود سال ۷۷۰ واند به وزارت شاه‌شجاع آل مظفر قیام داشت و چنانکه در گفتار اول این فارسنامه ناصری در ذیل حوادث سال ۷۸۰ گفته شد، از سوء تدبیر خود به فرمان حضرت شاه‌شجاع کشته گشت.

میرزا لطف‌الله شیرازی: در حدود سال [] چهار سال تمام به وزارت شاهزاده حمزه میرزا پسر شاه سلطان محمد صفوی برقرار بود و در زمان سلطنت شاه سلطان محمد صفوی و اوائل سلطنت شاه عباس اول صفوی به وزارت عظمی سرافراز و برقرار گشته، او را اعتمادالدوله گفتند.

امیر مجدالدین اسماعیل شیرازی: که ماهی بود بر آسمان جلالت در سال هشتصد و [] به وزارت میرزا پیربداق پسر سلطان میرزا جهان شاه قراقویونلو ترکمان برقرار گشته تا عمرش تمام شد.

۱. رک: شیرازنامه، زرکوب، ص ۶۶، چاپ بنیاد فرهنگ ایران.

۲. در متن: (سوره‌های).

۳. رک: شیرازنامه، زرکوب، ص ۹۲ و ۹۵.

میرزا محمد رضا حمزوی شیرازی: از سال ۱۲۹۳ تا سال ۱۲۹۷ [۱۲] به وزارت حضرت اشرف والا، حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا قاجار والی مملکت فارس برقرار بود.
میرزا محمد علی مشیرالملک شیرازی: شرح حالش در ذیل محله سنگ سیاه شیراز نگاشته گردید.

محمد نبی خان شیرازی: شرح حالش در ذیل محله درب مسجد گفته شد.
میرزا معین الدین: مدتها وزارت فارس نمود و در سال ۱۰۵۵ بند رودخانه رامجرد را بست.

خواجه منصور شیرازی: به وزارت اکبر شاه هندی در حدود سال ۹۸۰ وافته برقرار بود و بعد از مدتها، جماعتی از دشمنان او نوشته معمولی را از او به نظر پادشاه رسانیدند، پادشاه بی تأمل حکم به کشتن او فرموده، بعد از کشتن جنازه اش را به دار آویختند و بعد از چند روز چون واضح و معلوم گردید که نوشته به تهمت و دروغ بود، حضرت پادشاه حکم به قتل آن جماعت فرموده، همه را بکشتند و به اندک مسامحه و بی مبالاتی جماعتی از اعوان خود را تلف نمود.

نصرت الله عبدالحمید شیرازی: در سلک وزرای خسرو سلک شاه منتظم بود و گوی سبقت را از همگنان ربود و از ناساعدی بخت محبوس گشته در حبس این رباعی را گفته به سلطان فرستاد، مفید نیفتاده به قتل رسید:

ای شاه مکن آنچه پرسند از تو روزی که بدانی که نترسند از تو
خرسند نئی به ملک و دولت ز خدای من چون باشم به قید خرسند از تو

طبعم که ز لشکر هنر دارد خیل یاقوت به من بخشد و بیجاده به کیل
در سختم که جان به او دارد میل پرورده دریاست نه آورده سیل

حاجی نصیرالملک شیرازی: شرح حالش در محله بالا کفت نوشته شد.
خواجه نظام الدین احمد شیرازی: در حدود سال ۸۲۰ وانه به وزارت میرزا شاه رخ شام تیموری برقرار بود و به علو قدر و شرف دودمان از بیشتر اقران برتری داشت و در سال ۸۴۰ وفات یافت.

خواجه نظام الدین ابوبکر حوایجی شیرازی: در زمان طفولیت حوائج مطبخ ابوبکر بن سعد بن زنگی را میرسانید پس رتبه اش بالا رفته و به امارت، پس به وزارت رسیده، مطبوع برنا و پیر گردید و در سال ۹۸۵ وفات یافت.

خواجه نظام الدین علی شیرازی: در اوایل، مستوفی نواحی کوه گیلویه و کازرون بود، پس کارش به وزارت مملکت فارس کشید و این شعر از اوست:

هر که دردی بردل از یاری ندارد سرد نیست زن به از مردی که از یاران صاحب درد نیست

در کتاب سلم السموات در وفات او فرموده است:

بجو تاریخش از تاریخ بیدل که از فوشش دل تاریخ خون شد
یعنی حرف «را»، را از کلمه تاریخ بینداز و باقی را تاریخ بدان که ۱۰۱۱ است.

اما

بقاع و تکایای امام زادگان و سادات و مشایخ و علمای شیراز

(رضوان الله تعالى عليهم اجمعين)

در خاک پاک شیراز جنت طراز، چنان فراوان است که این فادنامه گنجایش آنها را ندارد و آنچه مشهور و معروف است در این کتاب نوشته شود:

بقعه مبارکه حضرت سید امیر احمد مشهور به شاه چراغ ابن امام موسی کاظم علیهما السلام: در محله بازار سرخ است^۱ بعد از حضرت امام رضا (ع) از همه برادران خود برتری داشت، در کتاب شیرازنامه و کتاب مزادات شیراز نوشته است بعد از وفات والد ماجدش وارد شیراز گشته به روضه رضوان خراسید^۲ و اثری از قبر مبارکش باقی نماند تا آنکه امیر مقرب الدین پسر مسعود پسر بدر که از خواص سلطان اتابک ابوبکر بن اتابک بن سعد بن زنگی بود در حدود سال [] شالده برای عمارتی حفر می نمود قبری ظاهر شد^۳ و شخصی تمام اندام، بسلامتی اعضا در آن خوابیده، نقش خاتم او «العزة لله احمد بن موسی» بود و چون واقعه را به اتابک رسانیدند، عمارتی لایق بر آن قبر بساخت^۴ که بقعه اش از کره اثیر گذشت و بعد از سالها روی بخرابی نهاد و پس از سالها ملکه دوران تاش^۵ خاتون^۶ والدۀ مکرمۀ پادشاه زمان شاه شیخ ابواسحق پسر شاه محمود انجوی در سال ۷۵۰ هجری تجدید عمارتش فرموده^۷ مدرسه ای در پهلوی آن ساخت و چند قریه و مزرعه از ناحیه میمند فارس وقف بر آن بقعه و آستانه و مدرسه فرمود و در سال ۹۹۰ واند از حادثه زلزله خراب گشته، از سداخل موقوفه خود تعمیرش نمودند و

۱. اینک در کنار فلکه ای در وسط خیابان احمدی شیراز واقع شده است.

۲. (در زمان خلافت مامون عباسی در شیراز به درجه شهادت رسیده است.) آثار المعجم، ص ۴۴۵ و مزارات شیراز، ص ۱۰ و شد الازار، ص ۲۸۹.

۳. مزارات شیراز، هزار مزار، به تصحیح دکتر نورانی وصال، ص ۳۳۵.

۴. در سال ۷۴۴، شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳.

۵. در مزارات شیراز، ص ۱۰ (تاشی) آثار المعجم، ص ۴۴۵: (تاشی).

۶. در متن: (خواتون).

۷. در مزارات شیراز، ص ۱۰، آمده است که: (تاشی خاتون در سال ۷۵۰ درگذشت). و رک: آثار المعجم، ص ۴۴۵.